

کیهان

یکی از هنجارهای بسیار مهم اجتماعی، احترام به دیگران است که شامل احترام به شخص و شخصیت، عقاید و اندیشه‌ها، رفتار و کردارها، نژاد و فرهنگ‌ها است؛ زیرا با احترام و حرمت نگه داشتن این امور است که انسجام اجتماعی ایجاد و تقویت می‌شود و جامعه به سمت و سوی کمالی حرکت می‌کند که سعادت و خوشبختی جمعی، نتیجه آن است.اما برخی از افراد بی تفاوت در صیانت از این هنجار اجتماعی، اقدام به تمسخر افراد و اقوام و فرهنگ‌ها کرده و زمینه وفاق و وحدت را به شسقاق و اختلاف و تفرقه سوق می‌دهند. نویسنده در این مطلب با استفاده از آموزه‌های قرآن به هنجارشکنی تمسخر و آثار آن از منظر اجتماعی پرداخته است.

ناهنجاری تمسخر اقوام و فرهنگ‌ها

واژه‌های تمسخر و سخریه از واژه «سخر» به معنای چیرگی است. کسی که تمسخر می‌کند و دیگری را به سخریه می‌گیرد، بر این باور است که خود برتر از او فرهنگش است. در حقیقت تمسخرکننده دچار نوعی تخیل تافخری است و بر این باور است که خودش به نوعی دارای برتری‌هایی است که می‌تواند بر دیگری چیره شود و هر نوع گفتار و رفتاری را داشته باشد، بی‌گمان چنین افرادی دچار توهم خودپسندی، خودبرتریبنی، کبر، تکبر، غرور و فرج هستند. از همین رو، باید آنان را هوردید و هم‌سطح ابلیس شمرد که دچار توهمات خودبرتریبنی نسبت به حضرت آدم(ع) بود و گفتار و رفتاری را در پیش گرفت که بیانگر این روحیه او بوده است. در فرهنگ قرآنی افزون بر واژه «سخر» واژه استهزاء از ریشه «هزه» به معنای تمسخر کردن به کار رفته است. علامه طباطبایی در تفسیر استهزاه می‌نویسد: استهزاء عبارت است از اینکه چیزی بگویی که با آن، کسی را حقیر و خوار بشماری، حال چنین چیزی را به زبان بگویی و یا به این منظور اشاره‌ای کنی، و یا عملاً تقلید طرف را در آوری، به طوری که بینندگان و شنونده‌گان تابع از آن سخن و یا اشاره و یا تقلید بخندند.

(ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص: ۲۸۱)

در حقیقت مولفه‌های تمسخر و استهزاء عبارت‌اند: گفتار یا رفتاری مستقیم یا اشارهای درباره شخصی برای خنده و یا خنداندن دیگری. در آیات قرآن برای بیان این معنا از واژگان دیگری همچون «ضحک»، «غمز»، «لمزه»، «همز» و مانند آنها استفاده شده است. از نظر قرآن، چنین رفتاری به عنوان یک رفتار ضد ارزشی و ناپهنجار شناخته شده و به عنوان عمل حرام با آن مقابله شده است.(نقره، آیات ۱۰۴ تا ۱۰۶، حجرات، آیه ۱۱)
به سخن دیگر، تمسخر دیگران به هر شکلی و ابزاری طرزه و حرام است و در برخی از موارد به سبب آنکه همراه با اهانت، توهین، تهمت و بهتان است یا موجب تخریب وحدت اجتماعی و انسجام امت می‌شود، دارای مجازات کیفری و قانونی می‌باشد. خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنای زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشندند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید.(حجرات، آیه ۱۱)

براساس فقه اسلامی در قانون مجازات اسلامی مصوب مجلس شورای اسلامی نیز آمده است: هرکس با نظم یا اثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را اهوج کند و یا جویبه را منتشر نماید به حبس تا یک تا سه ماه محکوم می‌شود.(قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، فصل ۲۷ ماده ۷۰۰)

فرق تمسخر و مزاح

برخی‌ها شوخی و مزاح را با تمسخر و استهزاء به افراد و اقوام و فرهنگ‌ها اشتباه گرفته‌اند. از نظر اسلام شوخی اگر با دروغ همراه نباشد و به غیبت منجر نشود مجاز دانسته شده است، هر چند که فرهیختگان و خردمندان گرایش به شوخی و مزاح کمتر دارند؛ زیرا آن را جزو لهو و لغو می‌شمارند و اگر سخی به مطایبه و حقایق است؛ گویند با توجه به سکتاب متفاوت مخاطبان در راستای بیان حقیقت آن، علامه مجلسی در کتاب جواهر العقول معروف به موش و گربه می‌نویسد: چون اکثر مردم عالم به خوش طبعی و مجاز راغبند، بنابراین با لفظ خوش‌طبعان و شمه طرفیان بیان می‌کنند شد.(موش و گربه، محمداقرب مجلسی، ص: ۱۰)

خداوند متعال در وصف قرآن کریم می‌فرماید: **﴿إِنَّهٗ لَقَوْلٌ قَسَدٌ وَمَا مُّوَّ بِلَهٗزَلِّ، قرآن گفتاری متین و قاطع است و هزل نیست.(طارق، آیات ۱۲ و ۱۳)**

با این همه پیامبر(ص) که سنت و سیره عملی‌اش براساس ارزش‌های برخی‌ها شوخی و مزاح را با تمسخر و استهزاء به افراد و اقوام و فرهنگ‌ها اشتباه گرفته‌اند. از نظر اسلام شوخی اگر با دروغ همراه نباشد و به غیبت منجر نشود مجاز دانسته است؛ هر چند که فرهیختگان و خردمندان گرایش به شوخی و مزاح کمتر دارند؛ زیرا آن را جزو لهو و لغو می‌شمارند و اگر سخنی به مطایبه و شوخی می‌گویند با توجه به سطوح متفاوت مخاطبان در راستای بیان حقایق است.

قرآنی است می‌فرماید: **﴿بَئِی لَمَزَحٍ وَّ لَاقُولِ الْاِحَٔا، من مزاح می‌کنم، اما از محدوده حق به خارج نمی‌شوم.(بحارالانوار، ج ۷۶، ص: ۶۰، شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص: ۳۳۰)** امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: **کان رسول الله یُدَاعِبُ وَّ لا یَقُولُ الْاِحَٔا، رسول اکرم(ص) شوخی می‌کردند ولی جز حق چیزی نمی‌گفتند. (مسندکربلاوسائل ج ۸، ص: ۴۰۸، ۹۸۱۸)** پس براساس این روایات باید گفت؛ اگر شوخی و مزاح بر محور حق باشد و از آن تجاوز نکند ممدوح است و از صمدایق هزل نیست. امام صادق(ع) می‌فرماید: **الْمُؤْمِنُ ذِصِبٌ لِعَبٍّ وَّ الْمُنَافِقُ قَطْبٌ غَضِبٌ، مؤمن شوخ و شنگ است و منافق اخمو و عصبانی.(تحف العقول، ص ۴۹)**

امام صادق(ع) نیز میزان مطلوب در مطایبه و شوخو طبعی را حدی می‌داند که در آن اهانتی به کسی نشود و خروجی از محور حق انجام نگیرد. ایشان حدود ذعابه را این گونه تعریف می‌کند: **«ما من مؤمن الا و فیه ذعابه. قیل له؛ و ما الذعابه، فقال المزاح، از علامات مؤمن این است که در او ذعابه است. عرض شد ذعابه چیست؟ فرمودند: مزاح».**(بحارالانوار، ج ۷۶، ص: ۵۵) از همین رو در اسلام، مطایبه و مزاحه و مداعبه، حد و ممدوح و پسندیده مزاح است که از حد معقول خارج نشود و در آن اهانتی به کسی نباشد. دانشوران اسلامی، بویژه آنان که معتقدتر بوده‌اند، همواره همین حدود متعارف یعنی حد مداعبه را در آثار خویش حفظ کرده‌اند. در سنت و سیره رسول اکرم (ص): آمده است: **بپزرتی نزد پیامبر(ص) آمد. حضرت بو از فرمودند: پیر به بهشت نمی‌رود. بپزرتن گریست. حضرت فرمودند: تو در آن روز پیر نخواهی بود. خدای متعال می‌فرماید: «ها آنان را آفرینش نویسی بخشیدیم و همه را دوشیزه قرار دادیم».**(تنبیه الخواطر ج ۱، ص: ۱۱۲)

امام کاظم (ع) می‌فرماید: **پادیه‌نشینیی بود که نزد رسول خدا می‌آمد و برای آن حضرت هدیه می‌آورد و همان جا می‌گفت: پول هدیه ما را بده**

معارف Maaref@Kayhan.ir

تمسخر دیگران در حکم ستم به آنان است. خداوند به دلیل آنکه استهزاء مومنان و امت اسلام موجب می‌شود تا انسجام اجتماعی به هم بریزد و حرمت و احترام مومنان حفظ و صیانت نشود، استهزای مومنان را سبب قرار گرفتن در شمار مستمکران و ظالمان دانسته که حکم آن دوزخ است.

در روایات آثاری برای شوخی بیان شده که انسان احساس می‌کند از شوخی پرهیز کند بهتر است؛ زیرا ضررش کمی بیشتر از سودش است. اگر شوخی و مزاح با همه محدودیت‌های آن جایز و روا دانسته شده باشد، اما هیچ شکی نیست که استهزاء و تمسخر این گونه نیست و چنان که گفته شد، با مزاح فرق دارد و باید از آن به عنوان ناپهنجار و ضد ارزش و بلکه گناه اجتناب کرد. از این رو امام هادی (ع) در بیان تفاوت مزاح و استهزاء می‌فرماید: **الهُزْءُ فَلَکَافَةٌ الشُّفْهَاءِ، و صناعةُ الجَهَّالِ؛ مسخره کردن، در روایات آثاری برای شوخی بیان شده که انسان احساس می‌کند از شوخی پرهیز کند بهتر است؛ زیرا ضررش کمی بیشتر از سودش است.**

تمسخر افراد و اقوام از منظر آموزه‌های دینی



رسول خدا می‌خندیدند. آن حضرت هرگاه اندوهگین می‌شدند، می‌فرمودند: آن پادیه‌نشین چه شد؟ کاش نزد ما می‌آمد.(کافی، الاسلامیه، ج ۲، ص: ۶۳۳ ج ۱)

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: هرگاه رسول اکرم یکی از اصحاب خود را غمگین می‌دیدند، با شوخی او را خوشحال می‌کردند و می‌فرمودند: خداوند، کسی را که با برادران (دینی) اش با تشرویی و چهره عبوس روبرو شود، دشمن می‌دارد. (کشف‌الریبه ص ۸۲)

باید توجه داشت که شوخی کردن بیش از حد و خارج از عرف معقول نیز تبعات منفی دارد که باید آن را مد نظر قرار داد. امام علی (ع) می‌فرماید: **کثرة المزاح تذهبُ البهارةُ و توجبُ السَّحَاءَ؛ شوخی زیاد، ارج می‌برد از شوخی و موجب دشمنی می‌شود.(عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۳۹۰، ج ۶۶۱)**

باید متوجه بود که شوخی به جای حساس نیز کشیده می‌شود از این‌رو، آن حضرت(ع) هشدار می‌دهد و می‌فرماید: **رَبِّ هَذَا عَلَّ جَدَّاهُ چه بسا شوخی‌ای که جدی می‌شود.(تحف‌العقول، ص ۸۵)**

همچنین امام صادق (ع) هشدار می‌دهد که با هر کسی شوخی و مزاح نباید کرد. آن حضرت می‌فرماید: **إِنَّا أَحْبَبْتُ رَجُلًا فَمَازَحَهُ وَّ لا تُمَازِهُ، هر کج کسی را دوست داشتی، با او نه شوخی کن نه مجادله.(کافی، الاسلامیه، ج ۲، ص: ۶۶۴، ج ۶)**

برخی‌ها شوخی و مزاح را با تمسخر و استهزاء به افراد و اقوام و فرهنگ‌ها اشتباه گرفته‌اند. از نظر اسلام شوخی اگر با دروغ همراه نباشد و به غیبت منجر نشود مجاز دانسته است؛ هر چند که فرهیختگان و خردمندان گرایش به شوخی و مزاح کمتر دارند؛ زیرا آن را جزو لهو و لغو می‌شمارند و اگر سخنی به مطایبه و شوخی می‌گویند با توجه به سطوح متفاوت مخاطبان در راستای بیان حقایق است.

پیامبر (ص) می‌فرماید: من برای کسی که بگویمو را رها کند، هر چند حق با او باشد و برای کسی که دروغ گفتن را اگر چه به شوخی باشد، ترک گوید و برای کسی که اخلاقی را نیکو گرداند، خانه‌ی در حومه بهشت و خانه‌ای در مرکز بهشت و خانه‌ای در بالای بهشت ضمانت می‌کنم.(خصال، ص ۱۴۴، ج ۱۷۰)

امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: **لا مَآرَ فِیذَهَبِ نَهْوَکِ وَّ لا تمَازح فِیجُرَّأَ غُلِبَکَ، جدال مکن که ارزش می‌دود و شوخی مکن که بر تو دلبر شوند.**(کافی، ج ۲، ص: ۶۶۵، ج ۱۷، تحف‌العقول، ص ۴۸۶)

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: **کُنْ مَرَاذِحًا، قَلِّ وَاظِرًا، هر که مزاحش بسیار شود وفارش کم می‌شود».**(میزان‌الحکمه، ج ۴، ص: ۲۸۹)

طبق ضوابط شرعی فتوا می‌دهند، سفارش کرده‌اند.^(۱)

- احادیثی که در آنها، امامان معصوم(ع) شعیمان را به روایان حدیث ارجاع داده‌اند، مانند توفیق امام دوازدهم.^(۲)
- احادیثی که طبق آنها، امامان معصوم(ع) به اشخاص معینی با ذکر نام، ارجاع داده‌اند.^(۳)
- این روایات بیانگر لزوم تقلید و سؤال از مسایل شرعی و انجام واجبات و تکلیف دینی با پیروی از عالمان دینی است.^(۴)

امام صادق(ع) می‌فرماید: **«وَأَمَّا من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدينه، مخالفاً ليهواه مطيعاً لامر مولاه فلعلوام ان يقبلوه»**(۱۳)از بین فقها آنان که نگهدارنده نفس خویش و حافظ دین خود است و خود را از گناه و اذوگی حفظ می‌کند و با هواهای نفسانی‌اش مبارزه می‌کند و مطیع اوامر الهی و جاننشین اوست، بر همه لازم است که از او تقلید کنند.

در شریعت اسلام، واجبات و محرماتی وجود دارد که خدای حکیم، آنها را برای سعادت دنیا و آخرت انسان تشریع کرده است. اگر انسان از این دستورات اطاعت کند، به سعادت مطلوب می‌رسد و گرنه از عذاب سزایی که آن در امان نیست؛ از سوی دیگر، هر مسلمانی نمی‌تواند به آسانی، احکام شرعی را از قرآن و روایات و یا از عقل خود دریابد. قرآن مانند یک مجموعه قوانین یا رساله عملیه نیست که احکام شرعی را به طور مدون و تفصیلی و بسا وضوح و صراحت کامل و ذکر همه خصوصیات و جزئیات، بیان کرده باشد. عقل ناورزیده و غیرمتخصص، هر گز نمی‌تواند همه احکام مورد نیاز را

مهم‌ترین دلیل تقلید از فقها، سبیره و روش عقلا در طول تاریخ است، سبیره و روش عقلا این است که در هر مسئله‌ای به اهل فن آن مراجعه می‌کنند و بارزترین علامت آن، وجود صدها شغل فنی در جامعه انسانی است. کسی که دستگاه گرانقیمتی دارد، در صورت خرابی آن، هرگز خودش به تعمیر آن نمی‌پردازد، بلکه آن را به متخصص آن دستگاه می‌سپارد. بنابراین، چگونه ممکن است در مورد دین که سرنوشت دنیا و آخرت انسان به آن بستگی دارد، بی‌مبالاتی صورت گرفته و به متخصص آن مراجعه نشود و عنان دین رها شود.

اسلام کسانی که واجبات قطعی اسلام را به تمسخر بگیرند و یا درباره معصومان(ع) به استهزاء بپردازند، از اسلام خارج می‌شوند و احکام ارتداد بر آنان بار می‌شود که از جمله آن قتل در صورت عدم توبه است.(توبه، آیات ۶۵ و ۶۶) بنابراین، نباید به استهزاء کردن آغاز یا عادت کرد که گاه به استهزای اموری می‌رسد که قتل و کشته شدن از نتایج زاینبار آن است؛ برخی از مزه‌مذ عادت کرده‌اند که برای همه چیز جوک و لطیفه بسازند و در این امر چنان افراط می‌کنند که برای امام معصوم(ع) نیز لطیفه و جوک می‌سازند. اگر این عمل از روی عمد و قصد باشد، حکم مرتد بر او بار می‌شود و اگر توبه نکند باید خود را برای قتل آماده کند و اگر کسی اقدام به قتل او نکند و توبه هم نکند باید در قیامت خود را برای آتش دوزخ آماده سازد.

۶. ظلم و ستم: تمسخر دیگران در حکم ستم به آنان است و تمسخرکنندگان جزو گروه ظالمان محسوب می‌شوند. خداوند به دلیل آنکه استهزاء مومنان و امت اسلام موجب می‌شود تا انسجام اجتماعی به هم بریزد و حرمت و احترام مومنان حفظ و صیانت نشود، استهزای مومنان را سبب قرار گرفتن در شمار مستمکران و ظالمان دانسته که حکم آن دوزخ است (حجرات، آیه ۱۱) اصولاً تعدی به حقوق دیگران در هر شکل و شمایلی حرام و گناه است و تمسخر به سبب آنکه ظلم به شخصیت و تعرض به آن است، از ظلم‌های زشت و ناپهنجاری است که باید ترک کرد.
۷. فسق، فسق، دردی است و کسی که دیگری را به تمسخر می‌گیرد، پوشش و آرایه‌های زیبا را کنار می‌زند و زشتی‌ها و عیوب دیگران را آشکار می‌کند. البته ممکن است شخص بگوید من حقیقت و واقعیتی را بیان کرده‌ام؛ ولی باید توجه داشته باشد که غیبت بیان هر حقیقت و واقعیتی است که دیگران از شنیدن آن کراهت دارند و دوست نمی‌دارند کسی درباره آن چیزی بگوید و بشنود. همچنین باید توجه داشت که اگر آن موضوع، واقعیت نداشته باشد که جزو تهمت و بهتان حساب می‌شود و وضعیت بدتری پیدا می‌کند؛ زیرا در این صورت مجازات قانونی و کیفری برای تهمت و بهتان زنده است. به هر حال، از نظر قرآن، کسی که به تمسخر دیگران می‌پردازد خود جزو گروه فاسقانی است که خداوند ایشان را انسان‌های نادرست می‌داند. خداوند می‌فرماید استهزای مومنان، سبب قرار گرفتن استهزاءکننده در زمره فاسقان است.(توبه، آیات ۷۹ و ۸۰)

۸. تهدید خدا: از آنجا که استهزاء، شخصیت اجتماعی افراد را مورد هدف قرار می‌دهد و کرامت و شرافت ایشان را مخدوش می‌سازد؛ خداوند تمسخرکنندگان را تهدید به عذاب خود می‌کند تا مردمان دست از این رویه و رفتار برندارد و گزاهای ناپهنجار و ضد ارزشی را انجام ندهند.(همزه، آیه ۱)

۹. حسرت در قیامت: کسی که به تمسخر دیگران در دنیا مشغول است باید بداند که در قیامت حسرت می‌خورد که ای کاش به جای این رفتار ناپهنجار به کرامت مردم توجه می‌کرد و آنان را تکریم و تعظیم می‌نمود.

از نظر قرآن، افسوس خوردن در قیامت، نمره کوتاهی انسان‌ها در انجام اعمال دینی و تمسخر وعده‌های الهی است.(زمر، آیه ۵۶).

۱۰. سرزنش‌های الهی: از نظر قرآن استهزای دیگران بویژه خود و یا پیامبران کاری بسیار زشت و حرام و گناهی عظیم است و باید ترک شود. از این رو استهزاءگران از سوی خداوند سزانش می‌شوند(یس، آیه ۳۰، لمره، آیه ۱) و خداوند وعده دوزخ را به آنان می‌دهد و در آیات ۶۴ و ۶۵ سوره توبه به همین دلیل منافقان از سوی خدا توبیخ و سرزنش می‌شوند. البته این گونه نیست که همواره در هر یک لنگه بچرخد، بلکه استهزاء کنندگان باید بدانند که روزی خود ایشان در قیامت مسخره شدن خواهند شد و توبیخ و مسخره شدن در آن روز چیزی جز کیفر استهزای ارزش‌های دینی از سوی آنان در دنیا نیست.(مومنون، آیات ۱۰۴ تا ۱۰۹)

در تمسخر روش‌هایی به کار گرفته می‌شود که در آیات قرآن به آن توجه داده شده است. از جمله روش‌های استهزای دیگران می‌توان به این موارد اشاره کرد:
۱. اشاره: استهزای افراد از سوی استهزاءگران با اشاره چشم به همدیگر از جمله روش‌های استی است که در این امور به کار گرفته می‌شود.(مطففین، آیات ۲۹ و ۳۰)

۲. تکذیب: تکذیب و دروغ خواندن سخنان دیگری شیوه‌ای برای تمسخر است.

۳. تحقیر: تحقیر و تحقیر کردن دیگران می‌توان به این موارد اشاره کرد: (اعلام، آیات ۴ و ۵، همزه، آیات ۵ و ۶)

۴. حرکت سوز: تکان دادن سر از شیوه‌های استهزاءگران برای تمسخر دیگران و افکار و عقاید است که به کار گرفته می‌شود.(اسراء، آیه ۵).

۴. درخواست نامعقول: درخواست بی‌خرانه همچون زبول فرشته به صورت محسوس از سوی کافران، شیوه استهزای آنان بوده است که امروز نیز به کار گرفته می‌شود.(انعام، نمل، آیات ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۳)
۵. سوت زدن: استهزای دیگران، با گذاشتن دست بر دهان و سوت کشیدن که شیوه‌ای بسیار متداول حتی در برخی از مجالس رسمی است. (براهیم، آیه ۹) البته این رویه نباید در مجالس اسلامی و شوراها به کار گرفته شود که متأسفانه در قالب هو کردن و دود کردن خودنمایی و بروز می‌کند.

۶. عیبجویی: عیبجویی از دیگران، از شیوه‌های استهزاءگران است. در حقیقت بیان خصوصیات بدنی و رفتاری و گفتاری دیگران که واقعیت است، کاری بسیار نادرست است که در این نوع تمسخرکنندگان به کار گرفته می‌شود.(توبه، آیه ۷۹؛ حجرات، آیه ۱۱؛ همزه، آیه ۱)

۷. کنایه: استفاده از کنایه‌های تمسخرآمیز، از روش‌های استهزاءگران است. باید توجه داشت که کنایات، تاثیر بیشتر از کلام مستقیم دارد.(نساء، آیه ۱۴، جود، آیات ۲۸)

۸. لقب‌گذاری: نام‌گذاری زشت و کفرآلود، از شیوه‌های تمسخرکنندگان است.(حجرات، آیه ۱۱).

مسئله لزوم تقلید جاهل از عالم و رجوع غیرمتخصص به متخصص از مسائل روشن و بدیهی بوده و قیاسش را به همراه خودش دارد. از این رو می‌بینیم انسان جاهل از کسی که می‌داند و یا حتی احتمال دانستن در او می‌رود سؤال می‌کند، بچه‌ها از بزرگ ترها، پسر از پدر، جوان از پیر، کارگر از مهندس و مریض از طبیب می‌پرسد و از او پیروی می‌کند.

با مراجعه مستقیم به قرآن و روایات دریابید؛ زیرا برای شناخت احکام شرعی، آگاهی‌های فراوانی، از جمله آشنایی با منطقی فهم آیات و روایات، شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح، کیفیت ترکیب و جمع بین روایات و آیات و دهها مسئله دیگر لازم است که آموختن آنها، نیازمند سال‌ها تلاش جدی است. در چنین حالتی، مکلف خود را در برابر سه راه می‌بیند:
راه تحصیل این علم را انتخاب کرده، در این زمینه به سطح اجتهاد برسد.
در هر کار، آرای قهیمنان را مطالعه کرده و به گونهای عمل کند که طبق همه آن‌ها، عمل او صحیح باشد.(احتیاط‌کنند)

۱۰. جرح ناجشی، ص: ۱۰. ۲. جرح‌عاملی، وسائل‌الشیع، ج ۲۷، صص ۱۲۷-۱۲۸، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۵-۱۳۷، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۵-۱۴۷، ۱۴۸-۱۴۹، ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۴-۱۵۵، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۵۸-۱۵۹، ۱۶۰-۱۶۱، ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۶۶-۱۶۷، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۰-۱۸۱، ۱۸۲-۱۸۳، ۱۸۴-۱۸۵، ۱۸۶-۱۸۷، ۱۸۸-۱۸۹، ۱۹۰-۱۹۱، ۱۹۲-۱۹۳، ۱۹۴-۱۹۵، ۱۹۶-۱۹۷، ۱۹۸-۱۹۹، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۴-۲۰۵، ۲۰۶-۲۰۷، ۲۰۸-۲۰۹، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۴-۲۱۵، ۲۱۶-۲۱۷، ۲۱۸-۲۱۹، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۲۶-۲۲۷، ۲۲۸-۲۲۹، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۲-۲۳۳، ۲۳۴-۲۳۵، ۲۳۶-۲۳۷، ۲۳۸-۲۳۹، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۲-۲۴۳، ۲۴۴-۲۴۵، ۲۴۶-۲۴۷، ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۰-۲۵۱، ۲۵۲-۲۵۳، ۲۵۴-۲۵۵، ۲۵۶-۲۵۷، ۲۵۸-۲۵۹، ۲۶۰-۲۶۱، ۲۶۲-۲۶۳، ۲۶۴-۲۶۵، ۲۶۶-۲۶۷، ۲۶۸-۲۶۹.

۱۰. جرح ناجشی، ص: ۱۰. ۲. جرح‌عاملی، وسائل‌الشیع، ج ۲۷، صص ۱۲۷-۱۲۸، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۵-۱۳۷، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۵-۱۴۷، ۱۴۸-۱۴۹، ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۴-۱۵۵، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۵۸-۱۵۹، ۱۶۰-۱۶۱، ۱۶۲-۱۶۳، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۶۶-۱۶۷، ۱۶۸-۱۶۹، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۷۶-۱۷۷، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۸۰-۱۸۱، ۱۸۲-۱۸۳، ۱۸۴-۱۸۵، ۱۸۶-۱۸۷، ۱۸۸-۱۸۹، ۱۹۰-۱۹۱، ۱۹۲-۱۹۳، ۱۹۴-۱۹۵، ۱۹۶-۱۹۷، ۱۹۸-۱۹۹، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۲-۲۰۳، ۲۰۴-۲۰۵، ۲۰۶-۲۰۷، ۲۰۸-۲۰۹، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۱۴-۲۱۵، ۲۱۶-۲۱۷، ۲۱۸-۲۱۹، ۲۲۰-۲۲۱، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۲۶-۲۲۷، ۲۲۸-۲۲۹، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۳۲-۲۳۳، ۲۳۴-۲۳۵، ۲۳۶-۲۳۷، ۲۳۸-۲۳۹، ۲۴۰-۲۴۱، ۲۴۲-۲۴۳، ۲۴۴-۲۴۵، ۲۴۶-۲۴۷، ۲۴۸-۲۴۹، ۲۵۰-۲۵۱، ۲۵۲-۲۵۳، ۲۵۴-۲۵۵، ۲۵۶-۲۵۷، ۲۵۸-۲۵۹، ۲۶۰-۲۶۱، ۲۶۲-۲۶۳، ۲۶۴-۲۶۵، ۲۶۶-۲۶۷، ۲۶۸-۲۶۹.

از فارس

صفحه ۸
شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۶
۱۲ ذیحده ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۸۸

چراغ راه دوستی با چه کسانی ممنوع است؟

قال الامام الصادق(ع): «لا یبغی للمسلم ان یواخی الفاجر و لا الاحمق و لا الکذاب.»

امام صادق(ع) فرمود: سزاوار نیست که مسلمان با بدکار و احمق و دروغگو رفقت کند.^(۱)

۱- کافی، ج ۲، ص: ۶۰۴

حکایت خوبان ریاکاری و تظاهر به دینداری

عمروبن عاص که جنایات بسیاری را در صدر اسلام مرتکب شد و جناب مالک اشتر را به شهادت رساند، به هنگام فتح مصر در جایی که امروز قساط نام گرفته است، خیمه زود بود. روزی که قراب بود اردو و خیمه‌ها جمع شـود و به جای دیگری منتقل گردد، به فرمانده سپاه گفتند، کیوتری بر فراز چادر تو آشنایه کرده و تخم نهاده است. اگر چادر را برچینیم این تخم‌ها می‌شکند و ایسن کیوتر تو ز ماده ازده‌خاطر می‌شوند.

عمروبن عاص گفت: چادر باید برماند! یک تن از سپاهیان همین‌جا توقف کنند تا این کیوتر بچه‌های خود را پرواز دهد. سپس چادر را برچیند!^(۱)

۱- قیام امام حسین(ع)، سیدجعفر شهیدی، ص ۱۷۵

پرسش و پاسخ

جنگ روانی دشمنان و راهکارهای مقابله با آن

پرسش:

جنگ روانی چیست و مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ روانی دشمنان کدام است؟

پاسخ:

در سه بخش قبلی پاسخ به این سؤال ضمن پاسخ اجمالی به مفهوم جنگ روانی، تاریخچه جنگ روانی، جنگ روانی در صدر اسلام و نمونه‌هایی از جنگ روانی در صدر اسلام مورد بررسی قرار گرفت. اینک در ادامه دیناله مطلب را بی می‌گیریم.

جنگ روانی در عصر حاضر
در جنگ جهانی اول تبلیغات به عنوان حربه‌ای در راستای جنگ روانی مورد استفاده قرار گرفت. آنان برای توجیه اعمال ناپسند خود، افکار عمومی کشورها را به بی‌راهه کشاند، فریب می‌دادند و این امر در طی جنگ جهانی دوم از چنان اهمیتی برخوردار شد که طرفین جنگ در به کار بستن آن به رقابت برخاستند. به این ترتیب، جنگ روانی در مواردی بیش از جنگ نظامی اهمیت پیدا کرد و جزئی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی کشورها قرار گرفت.

امروزه نیز بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و تبلیغاتی کشورها در خدمت عملیات جنگ روانی با مردم کشورها‌ای مورد هدف آنان قرار دارد. این فعالیت تحت پوشش سازمان‌های اطلاعاتی در سطح ملی و بین‌المللی دارای کارکردهای گوناگون است و هدف عمده آن، تحریف عقاید، بی اعتبار کردن انگیزه ها، تخریب و تضعیف روحیهٔ حریف و کاستن از اقتدار حکومت مخالف یا تغییر در نگرش و تصمیم آن است. در نهایت تسلط پنهانی و غیرملموس بر آنان است. برای دست یابی به این هدف اساسی، بر دو امر مهم تأکید شده که عبارتند از:

الف. القای یأس و ناامیدی: در شرایطی که فرد مصمم به تحقق شرایط مطلوب و مورد انتظار است، اگر در کوشش خود به هر دلیلی موفق نشود و این مسئله تکرار شود، باعث خواهد شد که فرد در این حالت، دچار یک بحران روحی و روانی شده که این حالت، در مردانگی و واماندگی همراه خواهد بود.

در این وضعیت، سعی می‌شود تا با ارائه شرایط نامطلوب، فرد را از ادامه کار، برای دست یابی به هدف‌های خود باز دارند و اعتماد به نفس او را سلب کرده، یأس و ناامیدی را به او القا کنند.

ب. ایجاد رعب و وحشت: ترس و ترساندن، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار، برای شکست روحی افراد یک جامعه است. این عمل نیز با بهره‌گیری از وسایل ارتباط جمعی، محاصرهٔ اقتصادی و تحریم سیاسی صورت می‌پذیرد.

امروزه دشمنان اسلام و انقلاب با شیوه‌های غیر انسانی با داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و رسانه‌ای هر روز و شب در صدد جنگ روانی بر علیه کشور ما بوده و سعی دارند با بزرگ کردن موارد اختلافی بین مذاهب اسلامی؛ مانند اهل سنت و اهل تشیع و بین قومیت‌ها، مانند ترک و فارس و بلوچ و کرد و... صف‌های متحد را از هم جدا کنند.

مهم‌ترین ابزاری که در جنگ روانی از آنها استفاده می‌شود، «تبلیغات» از طریق نشریات، کتاب‌ها، سخنرانی‌ها و رسانه‌های گروهی -اعم از داخلی و خارجی و فضای مجازی است. هدف تبلیغات دشمنن در این جنگ تغییر نگرش و باورهای افراد به سمت خود است.

اسلخاخص نالایق، با نعمت‌ها امتحان و مستحق عذاب می‌شوند

(بدان ای سالک راه حق) هیچ فرقی نیست مابین من طلبه و این آقایان اهل علم... نعمت‌ها گاهی برای امتحان است تا آن اشخاصی که نالایق‌اند... مستحق عذاب بشنوند... اگر- چنانچه- بر خلاف موازین الهی رفتار کنی... در همین